



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Validation of the passage of time rule in vehicle insurances (with jurisprudential review)

S. Jafarzadeh^{1,*}, J. Farazmehr²

¹ Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Human Sciences, Urmia University, West Azarbaijan, Iran

² Lawyer

ARTICLE INFO

Article History

Received: 26 December 2018

Revised: 14 February 2019

Accepted: 10 May 2020

Keywords

Lapse of Time; Insurance; Statutory Deadline; Prorogation of Right; Financial Claims.

ABSTRACT

Purpose: The main purpose of this article is to investigate the validity of the statute of limitations in vehicle insurances, and the statute of limitations is considered one of the most important and fundamental institutions of criminal law. After the victory of the Islamic Revolution, the legislature completely repealed and removed it, and then accepted the passage of time in criminal matters with limited and binding conditions in 1378, and finally, with the approval of the Islamic Penal Code in 1392, it approved the institution of the passage of time in the substantive rules.

Methodology: In this research, this problem has been addressed with an analytical and descriptive method.

Findings: This research aims to prove the elimination of the passage of time in the new law due to the deliberate silence and evidence and evidence in the previous laws, and in this regard, it seems that there is a belief in the explicit repeal of this rule and the legitimacy of the passage of time. There is a difference of opinion among the jurists.

Conclusion: The results of the research show that the general provision of the passage of time in the insurance law remains in force, and to clarify the validity of this rule regarding vehicle liability insurance, the new law should be referred to. In this assumption, if the new special law has repealed the general provision of the insurance law (either explicitly or implicitly), it should be considered that this rule should be deleted due to the precedence of the later special law over the previous general law. On the other hand, in case of ambiguity, brevity or absolute silence of the legislator in the new law, citing the insurance law as a general law will be a way forward.

*Corresponding Author:

Email: jafarzadeh@urmia.ac.ir

DOI: 10.22056/ijir.2020.02.05



اعتبارسنجی قاعده مرور زمان در بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه (با بررسی فقهی)

سیامک جعفرزاده^{۱*}، جواد فرازمهر^۲

^۱گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران
^۲وکیل دادگستری

چکیده:

هدف: هدف اصلی این مقاله بررسی اعتبار قاعده مرور زمان در بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه می‌باشد و مرور زمان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای حقوق کیفری محسوب می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مقنن آن را به‌طور کلی نسخ و حذف نمود و سپس مرور زمان کیفری را با شرایطی محدود و مقید در امور کیفری در سال ۱۳۷۸ پذیرفت و نهایتاً با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نهاد مرور زمان را در قواعد ماهوی تصویب نمود.

روش‌شناسی: در این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی به این مسأله پرداخته شده است. یافته‌ها: این تحقیق به دلیل سکوت عمدی و آماره و فرایینی که در قوانین پیشین وجود دارد، در صدد اثبات حذف مرور زمان در قانون جدید می‌باشد و در این خصوص به نظر می‌رسد، اعتقاد به نسخ صریح این قاعده وجود دارد و در مشروعیت مرور زمان بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان می‌دهد: حکم عام مرور زمان در قانون بیمه به قوت خود باقی است و می‌بایستی جهت روشن‌شدن اعتبار این قاعده در خصوص بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه، به قانون جدید مراجعه نمود. در این فرض، در صورتی که قانون خاص جدید حکم کلی قانون بیمه را نسخ (اعم از صریح یا ضمنی) نموده باشد از جهت تقدم قانون خاص لاحق بر قانون عام سابق، باید قائل به حذف این قاعده شد. از سوی دیگر، در صورت ابهام، اجمال یا سکوت محض قانون‌گذار در قانون جدید، استناد به قانون بیمه به عنوان قانون عام راهگشا خواهد بود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۰۵ دی ۱۳۹۷
تاریخ داوری: ۲۵ بهمن ۱۳۹۷
تاریخ پذیرش: ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

کلمات کلیدی

مرور زمان
بیمه
مهلت‌های قانونی
تعطیل حق
دعاوی مالی

*نویسنده مسئول:

ایمیل: jafarzadeh@urmia.ac.ir

DOI: 10.22056/ijir.2020.02.05

مرور زمان را می‌توان تاثیرات زمان بر اکتساب یا اسقاط حقوق یا تعهدات یا تکالیف نامید. بنابراین مرور زمان ممکن است اثر اکتسابی یا اثر اسقاطی داشته باشد. در حقوق ایران مرور زمان در ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی تعریف شده است. مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوا شنیده نمی‌شود. بنابراین در حقوق ایران مرور زمان مسقط حق دعوی به حساب می‌آید. مرور زمان مدنی، تجاری و کیفری، اصلی‌ترین انواع مرور زمان هستند. این نوشتار تنها به بررسی مرور زمان مدنی در بیمه‌های وسایل نقلیه می‌پردازد.

مرور زمان مدنی اصولاً مسأله‌ای حقوقی است، لکن ناظر به قضاوت؛ یعنی در مرحله رسیدگی به دعوا و صدور حکم مطرح می‌شود. بنابراین، ماهیتاً یکی از مباحث مهم آیین دادرسی مدنی است، و به‌طور عمده در این قبیل منابع بررسی می‌شود، و به دلیل آثار فراوان و حیاتی آن در روابط حقوقی افراد، از اهمیت ویژه‌ای در مباحث حقوقی و قضایی برخوردار است؛ زیرا براساس نظریه مرور زمان مدنی و مبانی تئوریک آن، فردی که نسبت به حقی ادعایی دارد، اگر در واقع نیز حقی داشته باشد، هرگاه در مدت مقرر شده برای مرور زمان اقدام به استیفای آن نکند، محاکم قضایی از استماع و رسیدگی به دعوای او خودداری خواهند کرد. از سوی دیگر، فردی که مالی را در اختیار دارد و از امکان تصرف در عین و منافع آن برخوردار است، پس از گذشت زمان معینی از مبدأ این تصرف، و عدم طرح ادعایی از جانب مدعی احتمالی، ادعایی در محکمه علیه او، حتی اگر از طریق نامشروعی به این امکان و تصرف دست یافته باشد، پذیرفته نیست. بنابراین، اگرچه مفاد نظریه مرور زمان، اصولاً ناظر به مرحله دادرسی و قضاوت است، حتی اگر مدلول مستقیم آن نفی مالکیت مدعی نباشد، سلب حق اقامه دعوا، در خارج از مدت مرور زمان، همان آثار نفی صریح مالکیت را برای مدعی در پی دارد و در مقابل، اثبات‌کننده آثار واقعی مالکیت برای فرد متصرف است.

براساس نظریه مرور زمان مدنی، این قاعده کارکردی همانند یک دلیل اثباتی و قاطع دعوا دارد که از یک سو، وضعیت متصرف را تثبیت می‌کند و از جانب دیگر امکان طرح هرگونه ادعایی را از مدعی می‌گیرد. در نتیجه، بحث مرور زمان از اهمیت اساسی برخوردار است و هر نظام حقوقی و قضایی ناگزیر از ارائه دلایل خردپسند در نفی یا اثبات آن است.

اگرچه درباره مرور زمان از دیرباز مباحثی مطرح شده است ولی جنبه نوآوری تحقیق حاضر در این است که به اعتبارسنجی قاعده مرور زمان در بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه با بررسی فقهی آن پرداخته خواهد شد. با این تفاسیر، در بخش بعد، پیشینه مطالعات انجام شده در این حوزه ارائه خواهند شد. در ادامه، در بخش مبانی نظری ضمن اشاره به ماهیت مرور زمان و مبانی نظری و فقهی آن به وضعیت حقوقی مرور زمان بیمه‌های مسؤولیت وسایل نقلیه اشاره شد و درنهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

مروری بر پیشینه پژوهش

۱. حمید رضایی چرخلو (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان: «مرور زمان در علم حقوق از گذشته تا امروز» موضوع خود را این‌گونه مطرح می‌نماید: اولین قانون رومی که مرور زمان را مورد قبول قرار داده است قانون ژولیا^۱ است که مدت مرور زمان را در مورد بزه زنا، پنج سال پیش‌بینی نموده و سپری شدن مدت مزبور را پاک‌کننده و مطهر عنوان نموده‌اند.

۲. حسن میرزایی‌زاده (۱۳۸۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع: «مرور زمان در جرائم خاص در حقوق کیفری ایران» این‌گونه می‌گوید که: مجازات استفاده غیرمجاز از آب، برق، تلفن و گاز طبق ماده ۶۶۰ قانون مجازات حداکثر تا سه سال حبس است. حال اگر کسی امروز متهم شود که پنج سال قبل حق انشعاب موارد فوق را نپرداخته، چون از تاریخ وقوع جرم پنج سال گذشته است، موضوع مشمول مرور زمان می‌شود و باید نسبت به پرونده، به دلیل مرور زمان قرار موقوفی تعقیب صادر گردد.

۳. مقاله «جایگاه مرور زمان در تعزیرات از منظر فقه و حقوق اسلامی» نوشته جواد حبیبی تبار و مصطفی کرمی‌پور در کنفرانس ملی چهارسوی ملی علوم انسانی، شیراز، سال ۱۳۹۴ به بررسی مرور زمان در تعزیرات و مشروعیت و عدم مشروعیت آن در تعزیرات و حق الناس از منظر فقه و حقوق اسلامی پرداخته شده است.

¹. Julia.

۴. اکبر رجبی، اعظم مهدوی پور و محمد اسحاقی در مقاله خود تحت عنوان «بررسی تطبیقی مرور زمان در فقه و حقوق کیفری ایران با رویکردی به نظرات امام خمینی(ره)» در شماره ۷۹ مجله پژوهشنامه متین گفته‌اند: فقهای اهل تسنن یا عامه آن را به مجازات تعزیری و حتی در برخی از فرق آن (ابوحنیفه) مرور زمان را به غیر حق الناس و قصاص، دیه و حد قذف در سایر موارد بلاشکال می‌دانند؛ و فقهای امامیه مثل امام خمینی مرور زمان را در جرائم حدود، قصاص و دیات مورد پذیرش قرار نداده است و آن را مغایر موازین شرعی می‌دانند؛ ولی در جرائم تعزیری حاکم می‌تواند بنا بر مصلحت‌اندیشی مرور زمان را لحاظ کند.

مبانی نظری پژوهش

ماهیت و مبانی نظری بحث

ماهیت بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه با تاکید بر بیمه‌های مسؤلیت

برای پی‌بردن به ماهیت بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه، ابتدا می‌بایستی تعریف عقد بیمه ارائه گردد و متعاقب آن با بیان انواع بیمه با موضوعیت بیمه‌های اموال، اقدام به ارائه مصادیق بیمه‌های وسایل نقلیه نمود. در همین راستا، «انتخاب واژه بیمه در زبان فارسی متوجه بیم از حادثه و خسارت بوده، ولی در زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی در نام‌گذاری این تاسیس به‌جای بیم به تامین و امنیت ناشی از آن توجه شده است.» (بابایی، ۱۳۹۳) ماده ۱ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ در تعریف عقد بیمه بیان داشته است: «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارد بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. متعهد را بیمه‌گر، طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که بیمه‌گذار به بیمه‌گر می‌پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می‌شود موضوع بیمه نامند.» در عقد بیمه، «متعهد که بیمه‌گر است تعهد می‌کند که تحت شرایط معینی در صورت بروز حادثه که به تعهد بیمه‌گر تحقق می‌بخشد از بیمه‌شده رفع زیان کند. بیمه‌گذار یا بیمه‌شده کسی است که دارایی یا شخص او در معرض خطر مورد تعهد بیمه‌گر قرار داشته باشد.» (کریمی، ۱۳۹۶) تعریف قانون موصوف، صرفاً حقوقی و قراردادی و بیان‌کننده تعهدات طرفین عقد و لذا جنبه محدودی از نهاد بیمه است. در مقابل برخی حقوقدانان از عقد بیمه تعریف تاکتیکی و فنی ارائه نموده‌اند. طبق این تعریف «بیمه عملیاتی است که در آن بیمه‌گر افرادی (بیمه‌گذاران) را که در معرض حادثه و ریسک خاصی قرار دارند، سازمان‌دهی می‌کند و از محل مبالغی که از جمع حق بیمه‌های دریافتی فراهم‌شده از بیمه‌گذارانی که این حادثه عملاً برای آن‌ها تحقق می‌یابد رفع خسارت می‌نماید.» نقش بیمه در این تعریف مدیریت منابع جمع‌آوری شده و محاسبه علمی میزان حق بیمه‌ای است که باید از بیمه‌گذاران اخذ شود تا بتواند عملاً خسارات تحقق‌یافته را جبران کرده و پوشش دهد.» (همان) بنابراین، در تعریف عقد بیمه، می‌بایستی علاوه بر توجه به جنبه حقوقی آن، جنبه فنی آن را که سازمان‌دهی و مدیریت منابع مالی مأخوذه از بیمه‌گذاران است مورد توجه قرار داد.

بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه، جزء بیمه‌هایی هستند که ذیلاً مورد بررسی قرار گرفته و ماهیت آن مشخص خواهد گردید. قراردادهای بیمه به اعتبار مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارند. ولی به طور کلی بیمه در دو زمینه کلی مورد استفاده قرار می‌گیرد که شامل بیمه‌های اجتماعی (اجباری) و بیمه‌های بازرگانی (اختیاری) می‌شوند. بیمه‌های اجتماعی که «بیمه‌های اجباری» یا «بیمه‌های ناشی از قانون» نیز خوانده می‌شوند، بیشتر در مورد کارگران و طبقات کم درآمد جامعه کاربرد دارد که خارج از موضوع مقاله می‌باشند. دسته دوم بیمه‌های بازرگانی است که بیمه‌گذار به میل خود و آزادانه به تهیه انواع پوشش‌های بیمه‌ای بازرگانی اقدام می‌کند و در یک تقسیم‌بندی به «بیمه‌های اشیاء»^۱، «بیمه مسؤلیت»، «بیمه زیان پولی»^۲ و «بیمه اشخاص»^۳ تقسیم‌بندی می‌شوند. بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه مورد اشاره که موضوع پژوهش حاضر نیز می‌باشد و در «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵» اشاره گردیده است جزء بیمه‌های بازرگانی و اختیاری می‌باشد. (کریمی، ۱۳۹۶) این بیمه بر اصل جبران خسارات استوار است. مطابق این اصل ذی‌نفع بیمه در هیچ مورد نمی‌تواند بیش از خسارات وارده

۱. در بیمه‌های اموال، موضوع تعهد بیمه‌گر، جبران خسارات وارد به شی است. مانند بیمه بدنه اتومبیل و آتش‌سوزی.

۲. در بیمه زیان پولی، موضوع بیمه، میزان معینی پول است که بیمه‌گر به دلیل عدم ایفای تعهد بیمه‌گذار می‌پردازد. مانند بیمه اعتبار، بیمه تضمین، بیمه عدم‌النفع و بیمه صداقت و امانت.

۳. موضوع این بیمه تمامیت جسمانی بیمه‌گذار است مانند بیمه عمر، بیماری و زایمان. این بیمه برخلاف بیمه خسارات معمولاً ارتباطی به میزان دارایی بیمه‌گذار و کسر دارایی وی در پی بروز خطر موضوع بیمه ندارد و بیمه‌گر متعهد می‌شود در صورت بروز حادثه مبلغ مشخصی را به بیمه‌گذار یا ذی‌نفع بیمه بپردازد. به استثناء بیمه تکمیل درمانی که تعهدات بیمه‌گر محدود به سقف هزینه‌های صورت گرفته است.

مبلغی دریافت نماید و لذا بیمه موجب افزایش دارایی نمی‌شود. لذا، بیمه مسؤولیت، بیمه‌ای است که مسؤولیت مدنی بیمه‌گذار را در قبال اشخاص ثالث پوشش می‌دهد. مانند بیمه مسؤولیت اتومبیل موضوع این مقاله و مسؤولیت کارفرما. بنابراین مشخص گردید موضوع مقاله حاضر درخصوص بیمه‌های مسؤولیت است.

پس از ارائه تعریف عقد بیمه و نوع بیمه‌های مورد بحث در این مقاله، نوبت به بیان مصادیق موضوع بیمه مسؤولیت وسایل نقلیه مصرح در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ به‌عنوان آخرین اراده قانون‌گذار در این زمینه، می‌رسد. طبق بند ۱ ماده ۱ قانون مرقوم، «وسایل نقلیه»^۱ مشمول قانون عبارت‌اند از: «الف- واگن متصل به وسایل نقلیه موتوری ریلی شهری و بین‌شهری ب- یدک و کفی (تریلر) متصل به وسایل نقلیه زمینی ج- واگن غیر متصل و یا در حال سکون به وسایل ریلی مانند قطار»؛ در قانون جدید برخلاف قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۸۷، واگن‌های غیر متصل به وسایل نقلیه موتوری ریلی شهری و غیرشهری و در حال سکون نیز مشمول قانون قرار گرفته است. کما فی‌السابق، تریلر و یدک غیر متصل به وسیله نقلیه زمینی مشمول قانون نمی‌باشد. «به نظر می‌رسد منظور قانون، تنها واگن قطار است و آنچه توسط اتومبیل کشیده می‌شود با عنوان یدک و تریلر خوانده می‌شود. قرینه این استنباط، ضمیر اشاره «آن» در ادامه توضیح واگن است. آنجا که می‌گوید: «واگن متصل یا غیر متصل به آن» و منظور، اتصال به وسیله نقلیه ریلی شهری و بین‌شهری است» (خدابخشی، ۱۳۹۶). همچنین، به موجب بند ۱ ماده ۱، وسایل نقلیه موضوع این قانون عبارت‌اند از: «وسایل موتوری زمینی و ریلی». لذا وسایل نقلیه غیر موتوری زمینی و همچنین وسایل نقلیه آبی (دریایی) و هوایی و تریلر و یدک غیر متصل از شمول مقررات این قانون خارج‌اند.

تبیین مفهوم مرور زمان و تفاوت آن با عناوین مشابه

جهت تبیین موضوع، ابتدا تعریفی از مرور زمان ارائه و پس از بیان مفهوم آن، تفاوت آن با عناوین مشابه من جمله مهلت‌های قانونی عنوان می‌گردد. در همین راستا، «مرور زمان با اقتباس از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۲۵ شهریورماه سال ۱۳۱۸ وارد گردید» (شهیدی، ۱۳۸۱) مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ این‌گونه تعریف شده بود: «مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود». لذا براساس این تعریف، «بعد از سپری شدن مدت زمانی - که آن هم باید در قوانین پیش‌بینی شده باشد- دیگر صاحب حق (مدعی)، حق اقامه دعوی را از دست خواهد داد. تعریف قانون‌گذار بیان‌گر این مسأله بود که مرور زمان سبب عدم استماع دعوی در مراجع قضایی بوده است نه سبب سقوط تعهد. بنابراین اگر خواننده از این حق استفاده نمی‌کرد تکلیفی بر عدم استماع دعوی برای قاضی به وجود نمی‌آمد. به عبارت دیگر مرور زمان اصل حق را زایل نمی‌کند، بلکه امتیاز مطالبه آن را از بین می‌برد» (معزی، ۱۳۹۱) تفاوت مرور زمان با مهلت‌های قانونی نیز در همین امر است، به طوری که «در مورد مهلت‌های قانونی، نیازی به این‌که خواننده ایراد بگیرد یا این‌که ایراد نگیرد، چه در جلسه نخست و چه در سایر جلسات نیست، طبق مقررات قانونی دادگاه به محض اطلاع از این موضوع موظف است قرار عدم استماع دعوی را صادر کند» (همان) به‌عنوان مثال، ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «در مورد مواد قبلی دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل، برای اقامه دعوی کافی است اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضای دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود». «هر چند که ظاهر ماده ۱۱۶۲ قانون مذکور این موضوع را القاء می‌کند که این مدت به معنای مرور زمان است اما در واقع این مورد مرور زمان نیست بلکه باید آن را مهلت قانونی پنداشت؛ زیرا در صورتی که خواننده هم نسبت به انقضای این مدت ایراد ننماید برای دادگاه تکلیف ایجاد می‌شود، در صورت انقضای مهلت دو ماهه قرار عدم استماع دعوی صادر نماید» (شمس، ۱۳۹۶) به عبارت دیگر، برخلاف مهلت‌های قانونی که با انقضای آن اصل حق زایل می‌شود پس از انقضای مدت مرور زمان با ایراد خواننده صرفاً حق اقامه دعوی از بین می‌رود و اصل حق همچنان باقی بوده و خواننده می‌تواند به تعهد خود عمل نماید. لذا با این تفاسیر، تفاوت مرور زمان با مهلت‌های قانونی مشخص گردید.

۱. بند ۹۹ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۸ هیات وزیران در تعریف وسیله نقلیه اشعار می‌دارد: «وسیله نقلیه وسیله‌ای است که برای جابجایی انسان و کالا در راه به‌کار می‌رود».

- ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۸ هیات وزیران، عنوان می‌دارد: «منظور از وسیله نقلیه موتوری زمینی هر نوع وسیله‌ای است که با قدرت موتور روی زمین یا ریل حرکت نماید.» در خصوص این‌که آیا دوچرخه نیز جزء وسایل نقلیه مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد یا نه. در رویه قضایی مورد اختلاف است به طوری که نظریه شماره ۷/۱۳۸۹/۸/۱۰ اح ق ق، قائل به عدم دخول دوچرخه در خصوص وسایل نقلیه است ولی نظریه مشورتی شماره ۷/۲۸۱۵ مورخ ۱۳۸۸/۵/۷ اح ق ق، نظر عکسی دارد.

بیمه‌های حوادث موضع قانون جدید نیز جزء انواع بیمه‌های بازرگانی هستند که قواعد مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه‌های قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ شامل این نوع از بیمه‌ها می‌گردد و برخلاف بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه، قواعد جداگانه‌ای از باب مرور زمان بر آن‌ها حاکم است. در همین راستا، نامه شماره ۲۰۵/۱۳۰۲۲ مورخ ۹۲/۷/۱۰ بیمه مرکزی اشعار می‌دارد: «مفاد ماده ۲۳ آیین‌نامه ۵۳^۱ (شرایط عمومی بیمه بدنه) مبتنی بر ماده ۳۶ قانون بیمه، ناظر به مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه است که براساس آن بیمه‌گر می‌تواند نسبت به دعوی اقامه‌شده در محکمه ایراد مرور زمان نماید و در این صورت دادگاه از رسیدگی به دعوی مطروحه خودداری خواهد کرد...» همان‌طور که مشاهده می‌گردد، حکم مرور زمان نسبت به بیمه‌های حوادث که خارج از موضوع مقاله می‌باشد کماکان باقی است و به نظر می‌رسد با توجه به این‌که در قانون جدید تغییری در حکم مرور زمان نسبت به بیمه‌های حوادث صورت نگرفته است لذا مرور زمان این بیمه‌ها به قوت خود باقی است.

مبانی فقهی اعتبار قاعده مرور زمان

در فقه نسبت به مرور زمان و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن دو دیدگاه مختلف وجود دارد. در دیدگاه نخست، مرور زمان به عنوان پدیده‌ای موثر در ایجاد یا زوال حق تلقی گردیده و مخالفتی با موازین حقوق اسلام ندارد. در دیدگاه دوم، بر مرور زمان در قلمرو حقوق اثری بار نمی‌گردد.

دیدگاه نخست (مشروعیت و تاثیر مرور زمان)

این دیدگاه بر دو دلیل محکم استوار است:

روایات معتبر

اخبار متعددی بر اعتبار مرور زمان در قلمرو فقه دلالت دارد از جمله:

۱- روایت محمد بن یعقوب

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الرَّبَّانِ بْنِ الصَّلْتِ أَوْ رَجُلٍ عَنِ الرَّبَّانِ عَنْ يُوسُفَ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ (ع) قَالَ: قَالَ: إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ تَعَالَى جَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى عِبَادِهِ- فَمَنْ عَطَلَ أَرْضًا ثَلَاثَ سِنِينَ مُتَوَالِيَةً لغيرِ مَا عَلَيْهِ- أَخَذَتْ مِنْ يَدِهِ وَ دَفَعَتْ إِلَى غَيْرِهِ- وَ مَنْ تَرَكَ مُطَالَبةً حَقًّا لَهُ عَشْرَ سِنِينَ فَلَا حَقَّ لَهُ.

کلینی^۲ با چند واسطه روایتی را از امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل می‌کند با این عبارت «همانا زمین برای خداوند متعال است که برای استفاده بندگان قرار داده است پس هر کسی که آن را بدون علت، سه سال بدون استفاده بگذارد از ایشان أخذ می‌شود و به دیگری داده می‌شود و هرکس مطالبه حق خودش را ده سال ترک کند، دیگر حقی نخواهد داشت». (عاملی، ۱۴۰۹)

طبق این روایت برای مرور زمان دو گونه تاثیر مقرر شده است:

الف. عاملی موثر جهت ایجاد حق انتزاع یا سلب مالکیت زمین به وسیله دولت به موجب عبارت اول این روایت «اراضی متعلق به خداوند است و او اراضی را جهت استفاده بندگان خود اختصاص داده است. هرگاه کسی زمینی را سه سال متوالی بلا استفاده رها کند، زمین از مالک اخذ و به دیگری سپرده می‌شود. این حکم تنها شامل اراضی می‌گردد.

ب. عاملی جهت سلب یا اسقاط حق به طور قهری

عبارت ذیل این روایت مقرر می‌دارد هر گاه کسی حق خود را که بر گردن دیگری دارد یا حقی که به وسیله دیگری استفاده می‌شود به مدت ده سال (متوالی) مطالبه نکند، این حق ساقط می‌گردد. بنابراین جهت اسقاط حق، اعم از منقول یا غیرمنقول، مرور زمان ده ساله لازم است.

^۱. ماده ۲۳ آیین‌نامه شماره ۵۳ شورای عالی بیمه: «هرگونه ادعای ناشی از این بیمه‌نامه باید حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ بطلان، فسخ و یا انقضای مدت بیمه‌نامه و در صورت وقوع حوادث تحت پوشش، از تاریخ وقوع حادثه اقامه شود و پس از دو سال مذکور ادعای ناشی از این بیمه‌نامه مسموع نخواهد بود. مرور زمان می‌تواند یک دفعه توسط هر یک از طرفین با اظهارنامه رسمی قطع شود. در صورت قطع شدن مرور زمان، به مدت باقیمانده مرور زمان یک سال اضافه خواهد شد.»

^۲. محمد بن یعقوب کلینی، از فقها و محدثین قرن سوم هجری است که دوران حیات او زمان شروع غیبت کبری فاصله چندانی ندارد.

۲- امام صادق(ع): کسی که زمینی از او گرفته شود و سه سال از مطالبه آن خودداری کند، پس از گذشت سه سال مطالبه آن برای او جایز نیست (همان).

مرحوم شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق.) به دنبال نقل این دو روایت می‌گوید: «شاید این روایت و روایت قبل از آن به موردی اختصاص داشته باشد که زمین پس از آن که در ابتدا احیا و آباد شده بود، دوباره مخروبه گردد. همچنین شاید واژه حق در آخر حدیث اول، به حق متعلق به زمینی که در آن درخت کاشته شده و سپس به حال خود رها شده، تا درخت‌ها از بین رفته و زمین مخروبه گشته است اختصاص داشته باشد؛ چراکه زمین درخت‌کاری شده به‌طور متعارف و در غالب موارد جز با گذشت ده سال و امثال آن مخروبه نمی‌شود. البته، مخفی نماند که روایات معارض با این دو روایت بسیاریند که برخی قبلاً ذکر شده و برخی هم بعداً خواهد آمد. همچنین، احتمال حمل این روایت بر تقیه هم وجود دارد». سپس ایشان روایت زیر را به عنوان روایت معارض ذکر می‌کند:

امیرالمؤمنین (ع): حق جدید است، اگرچه ایام طولانی بر آن گذشته باشد و باطل خوار و ذلیل است، اگرچه اقوام متعددی آن را یاری کنند. (همان)

۳- روایت مرحوم صدوق: هرکس خانه‌ای، یا ملکی، یا زمینی را در دست دیگری رها کند، بدون این که تا ده سال در این باره حرفی بزند و درخواستی بکند و دعوا و شکایتی را مطرح کند، پس از آن حقی نخواهد داشت. (صدوق، ۱۴۱۵؛ نوری، ۱۴۰۸)

۴- علی بن مهزیار می‌گوید: از ابوجعفر امام جواد(ع)، درباره خانه‌ای پرسیدم که متعلق به زنی بود که یک پسر و یک دختر داشت، پسرش در دریا مفقود شد و خود زن نیز فوت کرد، پس از آن دخترش مدعی شد که مادرش، این خانه را به او داده بود و دختر قسمتهایی از این خانه را فروخت و تنها یک قسمت از آن، در کنار منزل یکی از اصحاب ما (شیعیان) باقی مانده است و او به دلیل غایب بودن فرزند پسر و این که از او خبری در دست نیست و بیم این که مبادا خریدن قسمت مذکور برای او حلال و مجاز نباشد، نسبت به خرید آن کراهت دارد. امام (ع) در جواب به من فرمود: از چه زمانی مفقود شده است؟ پاسخ دادم: از سال‌های زیادی. بعد امام فرمود: تا ده سال منتظر او بماند و بعد از آن بخرد. سپس پرسیدم: آیا پس از ده سال که انتظار آمدن او را کشید، خریدن آن قسمت برای او حلال است؟ امام پاسخ داد: آری. (کلینی، ۱۳۶۷؛ طوسی، ۱۳۹۰)

فتاوی فقہی

در راستای روایت فوق و تأیید تأثیر مرور زمان بر حقوق افراد، بعضی فقهای مشهور فتاوی روشنی در این خصوص دارند که به مواردی از این فتاوی اشاره می‌شود.

شیخ صدوق از ابن بابویه که پدر ایشان است نقل می‌کند که ایشان در مقام وصیت به من گفته است: «و إعلم أنّ من ترک داراً أو عقاراً أو أرضاً فی ید غیره، فلم یتکلم و لم یطلب و لم یخاصم فی ذلک عشر سنین، فلا حق له» (صدوق، ۱۴۰۵) معنای عبارت مذکور چنین است: «بدان اگر کسی خانه یا ملک یا زمینی را که در دست دیگری است مطالبه نکند و یا صحبتی به میان نیاورد و یا طرح دعوائی ننماید تا ده سال بگذرد دیگر بر آن مال حقی ندارد». شیخ صدوق این وصیت را به عنوان فتوی نقل نموده و خود نیز بر همین نظر است.

دیدگاه دوم (عدم تأثیر مرور زمان)

در این دیدگاه مرور زمان تأثیری در حقوق و تعهدات نداشته و موثر دانستن آن با موازین شرع مخالف است. دلایل مهمی که در اثبات این دیدگاه قابل عرضه است عبارت‌اند از:

روایات

چندین روایت بر اعتبار این دیدگاه دلالت دارند. از جمله:

یک. روایت نبوی معروف «لَا يَبْطُلُ حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ» (نوری، ۱۴۰۸) یعنی حق یک مسلمان هیچ‌گاه باطل یا بی‌اعتبار نمی‌شود ولو این که مدتی (استفاده از آن) معطل بماند.

دو. دو روایت منقول از حضرت علی(ع) به این عبارت:

الف. «الحق القديم لا يبطله الشئ» (ابن اب الحدید، ۱۴۱۴) یعنی حق اشخاص را ولو قدیمی باشد هیچ عاملی از بین نمی‌برد.

ب. «الْحَقُّ جَدِيدٌ وَ إِن طَالَتْ عَلَيْهِ الْأَيَّامُ - وَ الْبَاطِلُ مَخْدُولٌ وَ إِن نَصَرَ أَقْوَامٌ» (عاملی، ۱۴۰۹) یعنی حق همواره تازه است، اگر چه روزگاران بر آن بگذرد و باطل رفتنی است، اگر چه عده‌ای آن را حمایت کنند. با اندکی تأمل می‌توان موضوع روایات اخیرالذکر را محل بر حقانیت از او طلب ننموده و با او مخاصمه نکرده، و ده [سال] از آن بگذرد، دیگر حقی نسبت به آن ندارد. کلام یا ایدئولوژی مبتنی بر مکتب یا شریعت دانست.

فتاویٰ فقهیها

در بین فقیهان و حقوقدانان اسلامی اعم از قدما و معاصرین کم نیستند کسانی که مرور زمان را در ایجاد یا اسقاط اصل حق و یا مطالبه آن بی‌تاثیر می‌دانند.

از قدما می‌توان شیخ طوسی را نام برد. ایشان در پاسخ به سؤالی که در مورد مردی که به مدت ۱۰ سال ملک خود (اعم از منقول یا غیرمنقول) را ترک کرده و آن را مطالبه نمی‌کند و این که آیا باز هم بر آن ملک حقیش باقی است؟ می‌گوید: «عدم مطالبه به مدت طولانی مالکیت را باطل و دعوی را ساقط نمی‌نماید و برای اوست هر وقت که بخواهد آن را مطالبه کند.» (طوسی، بی تا) در بین متأخرین امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی بدین مضمون که آیا مرور زمان در ایجاد یا زوال حق شرعاً موثر است یا خیر؟ گفته‌اند: مرور زمان اثری ندارد. (کریمی، ۱۳۶۵)

فتاویٰ اخیرالذکر علاوه بر اتکا به روایات پیش‌گفته بر قواعد و اصول دیگری نیز مبتنی است که اهم این اصول و قواعد عبارت‌اند از: اصل استصحاب، وضعیت سابق و قاعده فقهی «ان الحق لایسقط بتقادم الزمان»^۱ بعضی فقهای اهل سنت نیز برای مرور زمان قائل به مشروعیت شده و مشروعیت آن را بر پایه دو قاعده استحسان و مصالح مرسله که در فقه عامه مقبولیت فراوان دارد مبتنی ساخته‌اند.^۲

وضعیت حقوقی مرور زمان بیمه‌های مسؤولیت وسایل نقلیه

ابتدا وضعیت مرور زمان بیمه‌های مسؤولیت وسایل نقلیه را در قوانین موضوعه و ثانیاً در آرای وحدت رویه بررسی خواهد شد.

مرور زمان در قوانین موضوعه

مرور زمان در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶

قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ که یک قانون عام در حوزه دعاوی بیمه محسوب می‌گردد. در ماده ۳۶ اشعار می‌دارد: «مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه ۲ سال است و ابتدای آن از تاریخ وقوع حادثه منشاء دعوی خواهد بود، لکن دعاوی که قبل از اجرای این قانون در محاکم طرح شده باشد مشمول این ماده نخواهد بود». در این ماده قانون‌گذار «دعوی ناشی از بیمه» را مشمول مرور زمان دو ساله می‌داند. براساس این ماده قانونی، با توجه به اطلاق آن کلیه دعاوی مربوط به قرارداد بیمه، دو سال بعد از وقوع حادثه مشمول مرور زمان خواهد شد و قابلیت استماع در دادگاه را از دست خواهد داد». (صالحی، ۱۳۸۱)

به نظر می‌رسد منظور از دعاوی ناشی از بیمه، «دعاوی باشد که مستند آن‌ها، یک قرارداد بیمه باشد؛ خواه آن قرارداد بین طرفین دعوی تنظیم یافته و خواه بین یکی از آنان (بیمه‌گر) با شخص دیگری که نسبت به دعوی ثالث است». (ملائکه پور و بنی رشید، ۱۳۹۴) آنچه قبلاً ذکر گردید موضوع مطالعه حاضر، در خصوص بررسی مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه‌های مسؤولیت قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ می‌باشد و اهمیت بررسی قاعده کلی مرور زمان در قانون بیمه از آنجایی است که با نسخ ماده مرقوم در خصوص مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه، ما را جهت بررسی اعتبار این قاعده در قوانین خاص رشته‌های مختلف بیمه همچون بیمه اتومبیل رهنمون خواهد ساخت و اگر مرور زمان مزبور معتبر باشد در این صورت نوبت به بررسی قانون جدید بیمه شخص ثالث و منابع دیگر خواهد رسید که در این فرض در صورت سکوت محض یا اجمال یا ابهام در قوانین خاص اخیرالتصویب، حکم کلی قانون عام بیمه قبلی در خصوص مرور زمان معتبر و راهگشا خواهد شد. لذا ابتدائاً اعتبار یا عدم اعتبار قاعده مذکور در ماده ۳۶ بررسی می‌گردد. قبل از بررسی لازم به ذکر است که قانون بیمه، قانون عام در حوزه قوانین بیمه‌ای محسوب می‌گردد و در نتیجه حکم مرور زمان

^۱ این قاعده فقهی از حدیث پیش‌گفته منتسب به حضرت علی (ع) استخراج گردیده است.

^۲ در خصوص مفهوم دو قاعده مذکور و کیفیت کاربرد این دو قاعده در مشروعیت مرور زمان ر.ک. شیخ زین‌العابدین بن ابراهیم بن نجیم، الاشیاء و النظایر، چاپ قاهره، سال ۱۹۶۸، ص ۲۲۲ به بعد.

مصرح در این قانون می‌تواند توسط قوانین خاص بعدی در رشته‌های مختلف بیمه‌ای من جمله بیمه‌های مسؤلیت اتومبیل، تخصیص یا نسخ گردد که در مبحث بعدی مورد اشاره خواهد گردید. بنابراین سؤال مطرح این است که آیا حکم کلی ماده ۳۶ قانون بیمه در خصوص مرور زمان به قوت خود باقی است یا این که اعتبار خود را از دست داده است؟

در این خصوص شورای نگهبان در نظریه شماره ۷۲۵۷-۶۱/۱۱/۲۷ اعلام نموده است «مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال-بیست سال-سه سال-یکسال و...) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع انور تشخیص داده شد». بنابراین، مرور زمان‌های مصرح در قانون آیین دادرسی مدنی سابق همراه با قواعد فرعی آن من جمله تعلیق و توقیف و قطع و... با صدور نظریه مرقوم، اعتبار خود را از دست داد. سؤالی مطرح این است که آیا حکم نظریه مزبور شامل مرور زمان بیمه‌ای قانون بیمه می‌گردد یا نه؟ در پاسخ دو رویکرد بین اندیشمندان حقوقی وجود دارد. رویکرد اول معتقدند که با حکم شورای نگهبان، اعتبار مرور زمان در قوانین ایران به کلی منتفی می‌باشد. طرفداران این نظر معتقدند «در دفاع از مرور زمان مذکور و نیز مرور زمان‌های دیگر مانند آنچه در قانون تجارت آمده است، گفته می‌شود که این موارد، احکام خاص هستند و با نسخ حکم عام مرور زمان از بین نمی‌روند. در پاسخ باید گفت که بحث از خاص یا عام بودن نیست زیرا اولاً مواردی مانند قانون بیمه یا تجارت، «زمان» خاصی را برای مرور زمان پیش‌بینی کرده‌اند نه این که مرور زمان خاص داشته باشند. به عبارت دیگر، مرور زمان خاص یا عام در قوانین وجود ندارد بلکه مدت‌های مرور زمان ممکن است متفاوت باشند و از قواعد عمومی (زمان‌های عام) پیروی نکنند. در قانون بیمه یا قانون تجارت برای مرور زمان با فرض بقا، مدت خاص مقرر شده است و نباید آن را مرور زمان خاص نامید. ثانیاً با نسخ اصل و اساس مرور زمان در نظام حقوقی، دیگر نوبت به زمان‌های خاص نمی‌رسد و با نسخ اصل، فرع نیز منتفی می‌شود» (خدابخشی، ۱۳۹۲) در مقابل، رویکرد دوم چنین است، طرفداران این نظر معتقدند نظریه شورای نگهبان، مرور زمان عام مصرح در قانون آیین دادرسی مدنی سابق را منتفی نموده است و با این وجود مرور زمان‌های استثنایی مانند آنچه که در قانون بیمه و قانون تجارت است به قوت خود باقی است. اساتید حقوق تجارت در این خصوص عقیده دارند که «نظریه شورای نگهبان فقط در مورد مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی قابل اعمال است؛ زیرا در نظریه مذکور صرفاً به مواد مزبور اشاره شده است». (اسکینی، ۱۳۸۶) عده‌ای دیگر در تایید این نظر معتقدند که «این مرور زمان‌ها خاص می‌باشند و نظر شورای نگهبان در مورد آن‌ها جاری نبوده و به اعتبار خود باقی می‌باشند». (شمس، ۱۳۹۶)

بنابراین، از میان دو نظر فوق، به نظر می‌رسد که رویکرد دوم صحیح باشد، چرا که اولاً «شورای نگهبان، در نظریه دیگری به شماره ۳۵۰۶ مورخ ۱۳۷۱/۵/۱۱، مفاد نظریه مورخ ۶۱/۱۱/۲۷ خود را مطلق تلقی نکرده است. در نظریه اخیر این شورای محترم، بیان داشته، «نظریه مورخ ۶۱/۱۱/۲۷ شامل دعاوی اشخاص حقیقی یا حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان پذیرفته شده است، نمی‌شود». به عبارت دیگر، هدف شورا، محدود ساختن قواعد مرور زمان بوده است نه خروج کلی آن از نظام حقوقی». (ملانکه پور و بنی رشید، ۱۳۹۴) همچنین رویه عملی شرکت‌های بیمه و مصوبات شورای عالی بیمه، همگی در تایید پابرجا بودن این قاعده در کلیه عقود بیمه می‌باشد. ضمن این که این قاعده با هدف حمایت از بیمه‌گران و اشخاص فعال در این صنعت، جهت جلوگیری از ضررهای مالی یا احیاناً ورشکستگی وضع گردیده است. نتیجتاً، بنا به مراتب فوق، حکم کلی مرور زمان مصرح در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، در خصوص کلیه قراردادهای بیمه معتبر بوده و به قوت خود باقی است مگر این که توسط قوانین خاص لاحق در رشته‌های خاص بیمه‌ای من جمله بیمه مسؤلیت دارندگان وسایل نقلیه نسخ صریح یا ضمنی شده باشد که ذیلاً بررسی خواهد شد.

مرور زمان در قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵

به دلیل افزایش آمار تصادفات رانندگی و تبعات و آثار زیان‌بار این حوادث، قانون‌گذار برای حمایت از زیان‌دیدگان در سال ۱۳۴۷ قانون «بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» را تصویب نمود. بعد از گذشت ۴۰ سال از قانون بیمه شخص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷، قانون «اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» در سال ۱۳۸۷ به صورت آزمایشی و پنج ساله تصویب شد. «قانون‌گذار در راستای حمایت از شرکت‌های بیمه و جلوگیری از زیان‌دهی آن‌ها، حمایت از زیان‌دیدگان و تضمین پرداخت خسارات وارد شده به آن‌ها و همچنین تقویت جنبه بازدارندگی بیمه، قانون «بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» را در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ در ۶۶ ماده و ۵۵ تبصره تصویب نمود. (احمدی، ۱۳۹۵) یکی از مواردی که همواره به ضرر زیان‌دیدگان تصادفات وسایل نقلیه، به کار می‌رفت، استناد به قاعده مرور زمان دو ساله قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، است که گاه باعث اختلاف نظر در خصوص اعتبار این قاعده در مراجع قضایی و سردرگمی شهروندان و تضییع حقوق آنان گردیده است و در حال حاضر حتی با تصویب قانون جدید با تشدد آراء دادگاه‌ها در این زمینه مواجه هستیم که در مباحث بعدی

بدان اشاره خواهد گردید. در همین راستا، مقاله حاضر تلاش می‌نماید تا به این سؤال مهم پاسخ دهد، با توجه رویکرد نوآورانه قانون جدید در حمایت از زیان‌دیدگان، آیا حکم قاعده مرور زمان در این قانون به عنوان آخرین اراده قانون‌گذار در خصوص بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه به قوت خود باقی است یا نه؟ با تدقیق در متن قانون جدید، مشاهده می‌گردد هیچ حکمی در نفی یا تایید مرور زمان بیمه‌ای وجود ندارد و به عبارت دیگر قانون‌گذار در این زمینه سکوت اختیار نموده است. سؤال دیگر این که با سکوت قانون‌گذار در قانون لاحق خاص و وجود قاعده مرور زمان ۲ ساله در ماده ۳۶ قانون عام بیمه مصوب ۱۳۱۶، تکلیف چه خواهد بود؟ آیا می‌بایستی به قانون عام سابق استناد نمود و یا قانون خاص جدید لاحق؟ در پاسخ، ابتدا باید بررسی گردد که سکوت قانون‌گذار به منزله چیست. آیا سکوت علامت رضاست و یا علامت نفی یک امر خاص. در حقوق ایران و دیگر کشورهای خارجی، سکوت به تنهایی به عنوان یک اصل حاکی از اراده شخص نیست و از وضع شخص ساکت چیزی فهمیده نمی‌شود و موارد استثنایی که سکوت علامت رضاست (مانند اختیارات قانون مدنی)، سکوت محض نمی‌باشد و به طور عموم قرینه‌ها و اماراتی هستند که می‌توانند مبین اراده شخص باشند البته این قرینه‌ها همواره علامت رضا یا قبولی نیستند بلکه گاهی نشانه رد و مخالفت نیز به شمار می‌روند. (قاسم زاده، ۱۳۸۰) بنابراین سکوت قانون‌گذار در خصوص رد یا قبول قاعده مرور زمان به تنهایی، نمی‌تواند بیانگر اراده خاصی باشد مگر این که قرینه یا اماراتی وجود داشته باشد تا از سکوت قانون‌گذار، منظور خاصی به ذهن متبادر گردد. به همین منظور، ما به دنبال قرینه یا امارتی خواهیم بود تا بتوانیم منظور قانون‌گذار را متوجه گردیم. در همین راستا، می‌بایستی به پیشینه قاعده مرور زمان در قوانین قبل از قانون جدید توجه نمود.

همان‌طور که ذکر شد، پس از تصویب قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ به عنوان یک قانون عام در حوزه بیمه‌ای، جهت حمایت بیشتر از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، قانون خاص «بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» مصوب ۱۳۴۷ تصویب گردید که در ماده ۱۲ صراحتاً اشعار می‌داشت: «مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال می‌باشد و هر نوع اقدام ذی‌نفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نامه یا تلگرام یا اظهارنامه قاطع مرور زمان خواهد بود، مدت مرور زمان جدید پس از انقطاع یک سال است». همان‌طور که مشاهده می‌گردد قانون‌گذار تقریباً همان حکم مرور زمان قانون بیمه را در قانون خاص بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه تکرار نموده است و این قانون تا ۴۰ سال در خصوص بیمه‌نامه‌های موضوع مقاله، حاکم بوده است تا این که در سال ۱۳۸۷ قانون دیگری با عنوان «اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» به طور آزمایشی به تصویب رسید. قانون مزبور همانند قانون جدید فاقد حکمی در زمینه مرور زمان بود با این تفاوت که در بخش ذیل قانون مصوب ۱۳۸۷، صراحتاً کلیه قوانین مغایر که سابقاً به تصویب رسیده بودند، ملغی گردیده است. ماده ۳۰ قانون اصلاحی صراحتاً اشعار می‌داشت: «قانون بیمه مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث^۱ و کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌گردد. هرگونه نسخ یا اصلاح مواد این قانون باید صریحاً در قوانین بعدی قید شود». همان‌طور که مشهود است قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷ با قاعده مرور زمان ۲ ساله خود در ماده ۱۲، توسط ماده مرقوم قانون اصلاحی، نسخ صریح گردیده است و عنوان «کلیه قوانین و مقررات مغایر» نیز شامل ماده ۳۶ قانون بیمه قدیم که حاوی قاعده مرور زمان بیمه‌ای بود به دلیل مغایرت با قانون اصلاحی در زمینه بیمه‌های مسؤلیت خسارات وارده به وسایل نقلیه موتوری نسخ صریح گردیده است. بنابراین در نظام حقوقی ایران، حکم قواعد مرور زمان بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه با تصویب قانون اصلاحی مصوب ۱۳۸۷، به کلی تعیین و تکلیف گردیده و دیگر محملی بر ادعای اعتبار این قاعده وجود نداشته است مگر این که قانون جدید قاعده جدیدی در این باب صادر نموده باشد که همان‌طور که ذکر شد، این قانون، با سکوت خود حاوی هیچ‌گونه قاعده جدید نمی‌باشد. آنچه که نتیجه‌گیری می‌گردد سکوت قانون جدید در خصوص قاعده مرور زمان، جزء سکوت محض نبوده و عمداً و با اطلاع از پیشینه مقررات در خصوص مرور زمان، بوده است که اماره‌ای است بر حذف این قاعده از ادبیات حقوقی بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه. با این وجود مشاهده می‌گردد هنوز مراجع قضایی به اجماع کلی در خصوص حذف این قاعده نرسیده‌اند و با استدلال‌های نادرست گاهاً حکم به اعتبار این قاعده داده و باعث تشتت آراء در این زمینه و گاهاً تضييع حقوق شهروندان گردیده‌اند که در مباحث بعدی بررسی خواهد شد.

^۱ مصوب ۱۳۴۷.

مصوبات شورای عالی بیمه و آیین‌نامه‌های اجرایی آن

تا بدین جا آنچه ذکر گردید در خصوص مرور زمان قانونی بوده است. به عبارت دیگر، مرور زمانی که در قوانین موضوعه اشاره شده است. همان‌طور که ذکر شد بحث مرور زمان بیمه‌ای در خصوص بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه با نسخ صریح در قانون اصلاحی ۱۳۸۷ و سکوت معنادار قانون‌گذار در قانون جدید که اماره بر حذف این قاعده است منتفی گردیده است. ولی اندیشمندان حقوقی در مقابل مرور زمان قانونی، قائل به مرور زمان توافقی می‌باشند و چنین تعریفی از آن ارائه می‌نمایند «مرور زمان قراردادی در بیمه‌های بازرگانی غیر از مرور زمان قانونی است. هر چند که مشابهت بسیار نزدیکی بین آن دو وجود دارد اما یکی از آن‌ها جنبه قانونی داشته و به حکم قانون‌گذار ایجاد شده و باید به حکم قانون هم از بین برود و دیگری جنبه قراردادی دارد و به توافق طرفین برمی‌گردد» (معزی، ۱۳۹۱) شورای عالی بیمه به عنوان یکی از ارکان اصلی بیمه مرکزی ج.ا.ا اقدام به تصویب یک سری مصوبات می‌کند که یکی از آن‌ها شرایط عمومی بیمه‌نامه‌هاست. «شرایط عمومی بیمه‌ها که در اصل، ترکیبی از شرایط عمومی و شروط ضمن عقد به معنای اخص است اقدام به تعیین برخی شروط ضمن عقد می‌کند و چون این شروط جنبه قراردادی دارد. لذا بین طرفین لازم‌الاتباع است» (معزی، ۱۳۸۶) مبنای این مرور زمان بیمه‌ای، ماده ۳۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ عنوان شده است که صراحتاً اعلام نموده است بیمه‌گر و بیمه‌گذار می‌توانند در قراردادهای بیمه هرگونه توافقی بنمایند. اما با تصویب قانون جدید، مرور زمان قراردادی در خصوص مرور زمان بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه با محدودیت‌هایی مواجه است. چرا که ماده ۱۱ قانون جدید بیان می‌دارد: «درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده، مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط، سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود...». در نتیجه با وجود این ماده، شرکت‌های بیمه‌ای نمی‌توانند در قراردادهای خود اقدام به تعیین مرور زمان دعاوی در رشته بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه نمایند چرا که در این صورت، می‌توان گفت حاوی مزایای کمتر از مزایای مندرج در قانون جدید خواهد بود. همچنین به دلیل این‌که مصوبات شورای عالی بیمه که چارچوب قراردادهای بیمه‌ای را مشخص می‌نماید، جزء مقررات دولتی هستند. لذا نمی‌تواند مغایر با قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد.

توضیح این‌که، با توجه به این‌که شورای عالی بیمه به‌عنوان یکی از ارکان بیمه مرکزی اقدام به تنظیم مقررات در قالب مصوبه یا آیین‌نامه می‌نماید. لذا به عنوان یک نهاد دولتی اقدام به مقررگذاری نموده و مصوبات آن جزء مقررات دولتی است. «مقررات دولتی آن دسته از مصوباتی هستند که به وسیله مراجع صلاحیت‌داری به غیر از مجلس شورای اسلامی وضع می‌شوند و تحت عناوینی مانند آیین‌نامه، اساسنامه، نظامنامه، تصویب‌نامه، دستورالعمل و مصوبه قرار دارند. این مصوبات اصولاً مانند قانون، ایجاد حق و تکلیف می‌کنند و مثل قانون جنبه آمرانه، کلی و غیرشخصی داشته و از الزام و ضمانت اجرای حقوقی برخوردارند و از لحاظ سلسله مراتب بعد از قوانین قرار دارند» (موسی زاده، ۱۳۹۱) بنابراین، مصوبات شورای عالی بیمه در قالب شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها، از لحاظ سلسله مراتب قوانین در مرتبه پایین‌تر از قانون جدید مصوب مجلس است و می‌بایستی از آن تبعیت نماید. نتیجه این‌که نمی‌توان با وجود ماده ۱۱ قانون جدید، قائل به صدور مقرره‌ای متناقض با قانون جدید و حاوی مرور زمان در مصوبات شورای عالی بیمه و متعاقب آن در قراردادهای بیمه‌ای شد. مضاف این‌که، سابقه دیوان عدالت اداری در کنترل قضایی مصوبات دولتی جهت مطابقت با قوانین، نشان می‌دهد این نهاد در مواردی به دلیل مغایرت مصوبات شورای عالی با قوانین موضوعه اقدام به ابطال این مصوبات نموده است که در تایید استدلال فوق می‌باشد.^۱

نامه شماره ۲۰۵/۲۱۲۲۷ مورخ ۹۲/۱۱/۱۵ بیمه مرکزی، تلویحاً قائل به حذف مرور زمان بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه در قانون اصلاحی مصوب ۱۳۸۷ شده است. این نامه اشعار می‌دارد: «در پرونده‌هایی که مشمول مرور زمان موضوع ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ شده‌اند بیمه‌گر می‌تواند علی‌رغم گذشت مدت زمان دو ساله خسارات مربوطه را پرداخت نماید و در عین حال این حق برای شرکت بیمه وجود دارد که در صورت طرح دعوی در محاکم دادگستری برای حوادث مشمول قانون قبلی، به مرور زمان ماده ۱۲ استناد نماید... حذف مرور زمان در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ نیز ملازمه‌ای با عدم امکان استناد به آن در دعاوی مشمول قانون قبلی ندارد». همان‌طور مشاهده می‌گردد رویه عملی بیمه مرکزی نشان می‌دهد قائل به حذف قاعده مرور زمان از بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه بر اساس قانون اصلاحی مصوب ۱۳۸۷ می‌باشد که با توجه به این‌که حکم مرور زمان در قانون جدید تغییری نیافته است و قانون‌گذار همچون قانون اصلاحی سکوت اختیار نموده است. لذا موجهی برای اعتبار این قاعده باقی نمانده است.

^۱ با توجه به این‌که مطابق بند ۴ ماده ۱۷ قانون تاسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب سال ۱۳۵۰، تعیین میزان کارمزد و حق بیمه مربوط به رشته‌های مختلف بیمه مستقیم از جمله وظایف شورای عالی بیمه احصاء شده است، بند ۱ مصوبه ۱۳۸۸/۳/۶ و بند الف مصوبات جلسات مورخ ۱۳۸۸/۸/۶، ۱۳۸۸/۸/۲۰ و ۱۳۸۸/۹/۴ و بند ۱ مصوبه ۱۳۸۹/۲/۲۲ شورای عالی بیمه از این حیث که وظیفه مذکور را به شرکت‌های بیمه واگذار کرده است، مغایر حکم مقنن به شرح پیش گفته است و هر چند که مصوبات یاد شده به موجب بخشنامه شماره ۹۱/۵۷۴۱۰-۱۳۹۱/۱۲/۲۷ رئیس شورای عالی بیمه لغو شده است با استناد به ماده ۱۳ و بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، به لحاظ جلوگیری از تضییع حقوق احتمالی اشخاص، مصوبات مرقوم از تاریخ صدور تا زمان لغو بعدی یعنی ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ ابطال می‌شود.

رویه قضایی

همان‌طور که بیان گردید، بحث مرور زمان بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه مانند بیمه مسؤلیت اتومبیل، در قانون اصلاحی مصوب ۱۳۸۷ نسخ صریح گردیده است و قانون اصلاحی در ماده ۳۰ خود، با نسخ قاعده عام مرور زمان قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ و مرور زمان خاص بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷، تا آن تاریخ، بحث مرور زمان بیمه‌های موضوع این مقاله را تعیین و تکلیف نموده است و قانون‌گذاران قانون جدید مصوب ۱۳۹۵ با علم و اطلاع از تغییر و تحولات قانون اصلاحی و تمهیداً سکوت اختیار نموده‌اند که با توجه به پیشینه قوانین این رشته، بدیهی است که این سکوت نشان از حذف این قاعده بوده است. ولی وقتی به برخی از آرای محاکم دادگستری در این باب نگرینیم می‌شود قضات محترم با تلقی نادرست از قانون جدید و عدم توجه به قوانین خاص سابق و استناد به قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، با اعتباربخشی به قاعده مرور زمان در بیمه مسؤلیت اتومبیل، عملاً باعث تضییع حقوق زیان‌دیدگان می‌گردند.^۱ در مواردی نیز بین محاکم در این خصوص اختلاف نظر پیش آمده و دادگاه‌های تجدیدنظر اقدام به نقض دادنامه‌های بدوی با قائل به حذف این قاعده نموده‌اند.^۲ در هر صورت، سکوت قانون‌گذار در قانون جدید باعث ابهام و برداشت‌های متفاوت محاکم گردیده است که مسلماً تخصصی بودن مباحث بیمه‌ای و عدم اشرافیت قضات محاکم به مباحث بیمه‌ای، این نقص را تشدید نموده است. البته نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه می‌تواند راهگشا در این زمینه بوده و از تشدد آراء و تضییع حقوقی زیان‌دیدگان جلوگیری نماید. لازم به ذکر است در برخی نشست‌های قضایی دادگستری شهرستان‌ها، بحث مرور زمان بیمه‌های مسؤلیت اتومبیل مطرح و اکثریت نظر به حذف این قاعده از بیمه‌های موضوع مقاله نموده‌اند.

از لحاظ اصول و قواعد بنیادین بیمه‌ای نیز می‌بایستی ابهام موجود در قانون جدید در خصوص مرور زمان بیمه‌های مسؤلیت را به نفع بیمه‌گذار تفسیر نمود. «نظر به این‌که قراردادهای بیمه‌ای در روابط ویژه بیمه‌گر و بیمه‌گذار دارای اوصافی مانند رعایت حسن نیت و توجه به پیش‌بینی متعارف و منصفانه بیمه‌گذار است و جز در مواردی که دلیل یا توجیه منطقی و قانونی وجود داشته باشد، نباید از تعهدات بیمه‌گر در مقابل متعهد له آن کاسته شود و قرارداد بیمه‌ای در نظام حقوق داخلی یا تطبیقی مشمول قواعد مربوط به قرارداد الحاقی است بنابراین در صورتی که ابهام در حدود تعهدات، ضمانت اجرای اسقاط حق یا مانند آن باشد، به زیان بیمه‌گر و به سود بیمه‌گذار تفسیر می‌شود.» (کاتوزیان، ۱۳۹۵) لذا از منظر اصول مسلم حقوقی و بیمه‌ای نیز جهت حمایت از بیمه‌گذار در مقابل بیمه‌گر، نبایستی قائل به کاهش تعهدات بیمه‌گذار بود و قاعده مرور زمان را در بیمه‌های مسؤلیت مجری دانست.

نتایج و بحث

جمع‌بندی و پیشنهادها

۱- اعتبار قاعده مرور زمان در بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه از جمله موضوعاتی است که مورد توجه فقها و حقوقدانان واقع گردیده و در این خصوص، قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ که در حوزه بیمه‌ای جزء قوانین عام همانند قانون مدنی محسوب می‌شود و در شاخه بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه، قانون «بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵» به‌عنوان یک قانون خاص و آخرین اراده قانون‌گذار در بیمه‌های موضوع این تحقیق وجود دارد.

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۴۱۱۶۰۰۷۲۰ شعبه ۱۶ حقوقی ارومیه: «در مورد دادخواست... با عنایت به محتویات پرونده، زمان وقوع حادثه رانندگی مورخ ۸۸/۶/۳۱ اعلام گردیده و از تاریخ مزبور تا مورخ ۹۶/۳/۲۵ خواهان‌ها اقدام به تقدیم دادخواست و طرح دعوی نموده‌اند حال آن‌که مرور زمان دعوای ناشی از بیمه دو سال بوده و ابتدای آن از تاریخ وقوع منشا دعوی می‌باشد و برخلاف مدیونیت، مرور زمان مسؤلیت از جمله مسؤلیت شرکت بیمه‌گر همچون مرور زمان اسناد تجاری نسبت به ظهرنویس خلاف مبانی شرعی و فقهی نبوده و ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ به‌صورت صریح یا ضمنی به وسیله قوانین متاخر نسخ نگردیده و به قوت خود باقی است با عنایت به مراتب به لحاظ اقامه دعوی خارج از موعده قانونی و شمول مرور زمان به استناد مواد... قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی صادر و اعلام می‌گردد...»

۲. دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۴۴۱۴۳۰۰۴۴۷ شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی: «درخصوص تجدیدنظرخواهی... توجهاً به مفاد لایحه اعتراضیه و این‌که قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث بر اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ که قانون حاکم فعلی است حکمی در باب مرور زمان نداشته و استناد به مرور زمان قانون منسوخ سال ۱۳۱۶ موجه نمی‌باشد لذا دادگاه تجدیدنظر خواهی مطروح را بنا به مراتب مذکور وارد تشخیص مستنداً به ماده ۳۵۳ از قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض قرار معترض عنه، پرونده را جهت رسیدگی ماهوی به دادگاه محترم بدوی عودت و اعلام می‌نماید. رای صادره قطعی است.»

۲- با تحقیق در مباحث پیرامون مرور زمان مشخص گردید که حکم عام مرور زمان در قانون بیمه به قوت خود باقی است و می‌بایستی جهت روشن شدن اعتبار این قاعده در خصوص بیمه‌های مسؤلیت وسایل نقلیه، به قانون جدید مراجعه نمود. در این فرض، در صورتی که قانون خاص جدید حکم کلی قانون بیمه را نسخ (اعم از صریح یا ضمنی) نموده باشد از جهت تقدم قانون خاص لاحق بر قانون عام سابق، باید قائل به حذف این قاعده شد. از سوی دیگر، در صورت ابهام، اجمال یا سکوت محض قانون‌گذار در قانون جدید، استناد به قانون بیمه به‌عنوان قانون عام راهگشا خواهد بود. و در بحث مشروعیت مرور زمان بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و از نظر شرعی اجمالاً پذیرفته شده است.

۳- پیشنهاد می‌گردد که قانون‌گذار ایران با تصویب قانون یا رأی وحدت رویه صراحتاً به قاعده مرور زمان در بیمه‌های مربوط به وسایل نقلیه اشاره نموده تا از افزایش حجم پرونده‌های قضایی که در عمل موجب عدم رسیدگی و یا عدم رسیدگی شایسته به بسیاری از دعاوی می‌شود، جلوگیری کند و به‌جای سیاست قضایی یک‌جانبه درمان، سیاست دو سویه پیشگیری و درمان را در پیش گیرد.

یادداشت‌ها

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۴۷۵۹-۱۳۸۹/۸/۱۰ اداره حقوقی قوه قضاییه: «...اگرچه وسیله نقلیه زمینی موتوری و غیرموتوری در قانون تعریف نشده، ولی منظور از وسیله نقلیه زمینی غیرموتوری وسیله‌ای است که بر روی چرخ حرکت می‌کند و دارای راننده است و نیروی محرکه حرکت‌دهنده آن موتور نیست، مانند دوچرخه پایی و گاری و درشکه.»

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/ مورخ ۱۳۸۸/۵/۷ اداره حقوقی قوه قضاییه: «در ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی «وسیله موتوری» فقط قید متصدی است مانند تمام وسایل موتوری منصوب در کارخانه‌ها و... و دوچرخه پایی با عنایت به رای وحدت رویه شماره ۱۶۸۳ مورخ ۱۳۳۶/۶/۲۴ وسیله نقلیه محسوب می‌گردد و مشمول قسمت اول ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی است. بنابراین چنانچه راکب دوچرخه در اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت رانندگی باعث صدمه بدنی شود طبق ماده ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی ناظر به ماده ۷۱۴، مجازات وی تعیین می‌گردد.»

منابع و ماخذ

ابن ابی الحدید. (۱۴۱۴). شرح نهج البلاغه. ج ۱، بیروت، الدار الإسلامیة.

اسکینی، ربیعاً. (۱۳۸۶). حقوق تجارت. تهران: سمت، چاپ ۱۱.

احمدی، خلیل. (۱۳۹۵). مهم‌ترین نوآوری‌های «بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه سال ۱۳۹۵». پژوهشنامه بیمه، سال سی و دوم، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۲۲.

بابائی، ایرج. (۱۳۹۳). حقوق بیمه. ویراست دوم، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم.

خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۶). حقوق بیمه و مسؤلیت مدنی. تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

شهیدی، مهدی. (۱۳۸۱). حقوق مدنی سقوط تعهدات. تهران، مجد، چاپ پنجم.

شمس، عبدالله. (۱۳۹۶). آیین دادرسی مدنی. تهران، دراک، چاپ سی و هفتم.

صالحی، محمود. (۱۳۸۱). حقوق بیمه. تهران. بیمه مرکزی ایران، چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰). تهذیب. تحقیق سید حسن موسوی خراسانی، تهران، دارالکتب، الاسلامیة، چاپ اول، ج ۷.

خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۲). رویه قضایی و مرور زمان بیمه‌ای. برگرفته از سایت www.edalatgostarpazh.ir

عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، اول، جلد ۲۵.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳). قواعد عمومی قراردادها. تهران، شرکت سهامی انتشار، جلد ۳.

کریمی، آیت. (۱۳۹۶). کلیات بیمه. تهران، نشر میزان، چاپ هفدهم.

کریمی، حسین. (۱۳۶۵). موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی. قم، انتشارات شکوری.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۷). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الثالثة، ج ۵.

قاسم‌زاده، مرتضی. (۱۳۸۰). نقش سکوت در بیان اراده. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۱، صص ۶۵-۸۸.

قمی، صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۵). المقنع (للشیخ الصدوق). قم، مؤسسه امام هادی علیه‌السلام.

شیخ طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). المسائل الحائریات مندرج در الوسائل العشر. قم، مؤسسه نشر اسلامی.

معزی، جعفر. (۱۳۹۱). بررسی مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی. پژوهشنامه بیمه، سال بیست و هفتم، شماره ۴، صص ۹۷-۱۱۲.

- معزی، جعفر. (۱۳۸۶). حقوق بیمه شخص ثالث. شیراز، آوند اندیشه، چاپ اول.
- ملانکه پور شوشتری، محمدحسن - بنی‌رشید، ناهید. (۱۳۹۴). تحلیلی بر ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶. پژوهشنامه بیمه، سال سی‌ام، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۱۹.
- موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۱). حقوق اداری، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ص ۱۰۳.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. جلد ۱۸، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.